

۶۹. القاب مسیح

عیسی مسیح در همان روزی که دانیال نبی، شش صد سال قبل پیشگوئی کرده بود مسح گردید. یحیی تعمید دهنده در آن روز یکی را دید و اقرار کرد: «نگاه کنید! این همان بره ای است که خدا فرستاده تا برای آموزش گناهان تمام مردم دنیا قربانی شود. . . من روح خدا را دیدم که به شکل کبوتری از آسمان آمد و بر عیسی قرار گرفت. همانطور که گفتیم، من نیز او را نمی شناختم ولی وقتی خدا مرا فرستاد تا مردم را غسل تعمید دهم، در همان وقت به من فرمود: هر گاه دیدی روح خدا از آسمان آمد و بر کسی قرار گرفت، بدان که او همان است که منتظرش هستید. اوست که مردم را با روح القدس تعمید خواهد داد» (یوحنا ۱: ۲۹ و ۳۲).

نه فقط زمان مسح شدنش، بلکه مکان تولدش در کتاب میکای نبی باب پنجم و آیه دوم در اواخر قرن هشتم قبل از میلاد چنین ذکر کرده: «ای بیت لحم افراته، هر چند که در یهودا روستائی کوچکی بیش نیستی با وجود این از تو کسی برای من ظهور خواهد کرد که از ازل بوده است.» با وجود اینکه مریم، مادر عیسی و نامزدش، یوسف اهل جلیل بودند، چون اوگوستوس، امپراتور روم فرمان داده بود تا مردم را در تمام سرزمینهای تحت سلطه امپراطوری سرشماری کنند، یوسف مریم را

سوار الاغی کرده و بیک سفر تقریباً ۱۵۰ کیلومتری برد تا به زادگاه یوسف بروند. در شبی که به بیت لحم رسیدند عیسی در همان جایی که میکای نبی پیشگوئی کرده بود بدنیا آمد.

در برنامه های گذشته توانستیم شیطان و موفقیت‌های او را در مسئوم ساختن و فاسد نمودن کلیسایی که با مندرجات عالی شروع شده بود ملاحظه کنیم. عیسی بن مریم هنوز هم باعث تعجب بسیاری می شود. فهمیدن حکایت تولد او اگرچه خیلی ساده می باشد، اما مشکل است چون معجزه بود. فرشته مقدس از طرف پروردگار مأموریت داشت مژده ذیل را به باکره ای بدهد: «گفت بی گفتگو من فرستاده پروردگار تو ام تا ترا پسری پاک ببخشم. مریم گفت چه گونه مرا پسری باشد؟ و حال آنکه دست هیچ آدمی بمن نرسیده است. زناکار نبوده و نیستم. گفت مطلب همین است پروردگار تو گوید آن کار بر من آسانست و تا آن را برای مردم علامتی و از جانب خویش نعمتی بگردانیم و کاری گذاشته بود پس مریم در هماندم بعیسی بارور شد و با آن حمل بجایگاهی دور کناره گرفت.» (سوره مریم ۱۹-۲۲).

ملاحظه کنید راجع به کسی که عیسی را تعمید داد چه گفته شده: «پس گروهی از فرشتگان زکریا را در آنحال که در مسجد بنماز ایستاده بود ندا کردند که خدا ترا بولادت یحیی مژده می دهد در حالی که او کلمه الله را اعتراف میکند.» (سوره آل عمران ۳۹).

در انجیل چنین آمده است: «ای یوسف پسر داود، از بردن مریم به خانه

خود نترس. زیرا آنچه در رحم اوست از روح القدس است. او پسری به دنیا خواهد آورد و تو او را عیسی خواهی نامید زیرا او قوم خود را از گناهانشان رهایی خواهد داد. این همه واقع شد تا آنچه خداوند به وسیله نبی اعلام فرموده بود به انجام رسد» (متی ۱: ۲۰-۲۲).

آیه دیگری سبب اشکال زیادی برای بعضیها شده: «روح القدس بر تو نازل خواهد شد و قدرت خدا بر تو سایه خواهد افکند. از این رو آن نوزاد مقدس بوده، فرزند خدا خوانده خواهد شد.» (لوقا ۱: ۳۵).

این آیه مسبب سوء تفاهم و اشتباهات فراوانی راجع به عیسی بن مریم گردیده است. برای کسب اطلاع راجع باین فرد عجیب بار دیگر منظر کلی از اوضاع آن زمان بدست آوریم. اگر ممکن باشد در خیال، خود را از دنیا جدا کرده بجائی دوردست قرار دهیم - جایی که خود ما جزء آن نباشیم و موضوع را با فکر دقیق ملاحظه کنیم. معنی آن لقبی که استعمال شد چیست؟ برای نمونه بعضی از لقبهای دیگری که به این فرد معجزه آسا داده شده است در نظر آوریم. خود عیسی فرمود «من نان حیات هستم.» (یوحنا ۶: ۳۵). آیا منظور او در این لقب چه بود؟ آیا می خواست بگوید که یک مشت آرد و نمک و آب مخلوط شده است؟ خیر. وی می گفت نان برای جان مردم است. آن لقب جنبه معنوی و روحانی داشت و منظور وی این بود که وی حیات معنوی و روحانی بمردم می بخشد.

در یوحنا ۴: ۱۳ و ۱۴ خود را آب حیات مینامد. در یوحنا ۸: ۱۲ میگوید «من

نور عالم هستیم.» در یوحنا ۶:۱۴ میفرماید که «من راه هستیم.» در سوره آل عمران ۳۹ و یوحنا ۱:۱-۳ خود را «کلمه من الله» میخواند. در مرقس ۱۰:۴۵ خود را «پسر انسان» مینامد..

باید متوجه شویم که «پسر» لقبی است که اعم از رابطه جسمی یا ارثی صفت یا خصلت کسی را بیان میکند. در یکجا افراد معینی را «فرزندان معصیت» (افسیان ۲:۲) می خوانند. دیگران «پسران صهیون» (مراثی ارمیا ۲:۴)، در مقابل «بنی بلعالم» (داوران ۲۲:۱۹)، در یوحنا ۱۲:۱ «فرزندان خدا» که در مقابل آنها «ابنای نور» (لوقا ۸:۱۶)، و «فرزندان ظلمت» (اشعیا ۲:۹)، هستند بعضیها را «پسران انبیا» (۲ پادشاهان ۷:۲)، خواندند و دیگران را «پسران غربا» (اشعیا ۶:۲) و یک موقع عیسی دو نفر از حواریون خود را «پسران رعد» (مرقس ۱۷:۳) خواند.

بنابراین وقتی که عیسی خود را «پسر انسان» نامید رابطه کلی خود را با نوع بشر می خواست اعلام نماید. این پسر معجزه که بطور معجزه آسا تولد یافت، عمر بی گناهی سپری کرد، جان خود را تسلیم نمود، از مردگان قیام کرد، به آسمان صعود فرمود - همین فرد اعجاب آمیز طبق مکاشفه ۱۸:۲ «پسر خدا» خوانده شد - نه از لحاظ جسمی - نه بطوری که بت پرستان یونان و روم خدایان خود را تعبیر روحانی و معنوی دارد همچنان

که القاب نان و آب و نور و شبان و در و راه و کلمه.

در برنامه بعدی راجع به مسیح روح الله صحبت میکنیم.

